

مفاهیم مشترک قرآن و متون دینی ایران پیش از اسلام



نماینده ایران در یونسکو دکتر احمد دودی

در مورد ارتباط بین قرآن وادیان ابراهیمی تا به حال کارهای زیادی انجام شده است. انبوهی از مطالعات را داریم که به ارتباط بین آموزه های قرآن با دین یهود و دین مسیحیت پرداخته اند. زمینه‌ای که در آن به شدت با خلأ روبه‌رو هستیم حوزه ادیان ایران باستان خصوصا دین زردشتی است. البته ادیان ایران باستان محدود به زردشتی نیست و می توان دین مانوی و آیین مبتزایی را هم در بر بگیرد. ما مطالعات مهمی در ارتباط باقرآن ودین زردشتی مشاهده نمی کنیم. البته کسانی سعی کردند به ارتباط اسلام بادین زردشتی بپردازند به ویژه تلاش کردند ثابت کنند پیروان دین زردشتی اهل کتاب هستند. از این بابت. آثاری وجود دارد ولی اینکه به طور خاص ذره بین خود را روی سطور قرآن بگذاریم ودربایات قرآن دنبال اطلاعاتی بگردیم که به این دین ارتباط دارد. با خلأ زیادی مواجه هستیم. از سوی دیگر، چون در ایران زندگی می کنیم و ایرانی هستیم وسوابق فرهنگی کشورمان برای ما مهم است. این مسئله خیلی اهمیت دارد. شاید دین زردشتی برای مستشرقان اولویت نداشت ولی برای ما می تواند به عنوان اولویت مطرح باشد. لذا موضوع ارتباط بین آموزه های قرآن و آموزه های ادیان ایران باستان همیشه برای من موضوعی مورد توجه بوده است.

- پیام مهم مشابهت میان متون زردشتی و قرآن

باید بپرسیم آگاهی های مربوط به ادیان چه گرهی از کار ما بازمی کند وجه کمکی به ما می کند. گاهی دنبال ارضای کنجکاوی هستیم ولی مسئله من فقط ارضای کنجکاوی نبود و صورت مسئله های مهم تر داشتم. حداقل دو مسئله مهم پیش روی ماست. نکته اول این است که ما می دانیم از لحاظ ترتیب تاریخی، اسلام زمانی ظهور کرده است که مدت ها از وجود دین زردشتی می گذشته و این یک امر واضح است. به همان اندازه که دین یهود و مسیح پیش از اسلام وجود داشته اند. دین زردشتی هم بوده است. دین مانوی هم دویست سال قبل از اسلام وجود داشته است. اگر با آموزه هایی مواجه شویم که به عنوان آموزه اسلامی مطرح باشند و این آموزه ها در دین زردشتی ودین مانوی هم وجود باشند. به شدت برای ما پیام دارد و آن این است که اگر آنچه قرآن به ما می آموزد در متون دینی ایران پیش از اسلام وجود داشته باشد، به هیچ روی نمی توانیم این ادیان را به کلی کنار بگذاریم. برای فردی که مؤمن است، یک راه وجود دارد و آن این است که معتقد شود این متون ریشه در وحی دارند و کسی که مؤمن نیست بگوید مطالب قرآن وام گرفته از این متون است. این صورت مسئله اول بود. نکته دوم این است که خیلی مواقع مانند هر متن دیگری. در ارتباط باقرآن دچار پیچیدگی هایی در متن هستیم. گاهی درقرآن عباراتی وجود دارد که فهمش ثقیل است وبه اطلاعات بیشتری نیاز دارد. یعنی با اطلاعات متعارف متوجه نمی شویم این آیه درباره چه صحبت می کند. اینجا هم مقایسه سطور قرآن با اطلاعاتی که از ادیان پیش از اسلام داریم می تواند در راستای فهم عمیق تر کمک کند. یعنی از یک مطالعه مقایسه ای بین متن قرآن و متون بازمناهد از ایران پیش از اسلام در راستای گره کشایی وتفسیر بهتر از بعضی آیات کمک بگیریم. این هم مقدمه دوم من بود که روشن شود دنبال چه هستیم.

● نبود سابقه شرک در میان ایرانیان باستان علاوه بر بحث یکپارچستی که یک فخر برای ایرانیان است وسابقه شرک را در میان ایرانیان نمی بینیم. باید بگوییم گاهی عباراتی که درباره خدا ومعرفی خدا به کار برده می شود آن قدر به هم نزدیک است که انسان را به فکر فرو می برد. مثلا قرآن می فرماید: «هو الاول والاخر» یا می فرماید «لا تدركه الابصار و هو يدرك الابصار». عبارتی از یسنا می خوانم که می گوید: «ای مردا اهورا، هنگامی که در یافتم تویی آغاز و تویی انجام وتویی شایان پرستش…» و در ادامه گفته می شود که چشم ها اورا نمی بینند. بارها در متون دین زردشتی به صراحت این آموزه را می بینیم که خدا با چشم دیده نمی شود در حالی که این موضوع در دوره اسلامی محل بحث ومناقشه میان علما بوده است. یعنی گروهی از علمای دینی معتقد بودند با چشم سر می شود خدا را دید. این نشان دهنده فرهیختگی ایرانیان بوده است. موضوع قدرت فراگیر خداوند و این را که قادر متعال معرفی می شود در یسنا نیز مشاهده می کنیم که تصریح می شود اوقادر وقاهر است. گاهی حتی توضیحاتی درباره «هو الاول» در عبارات حدیثی ما آمده است که تظنیرش را در یسنا می بینیم. یعنی توضیحاتی درباره مفهوم «هو الاول» داده می شود. از این موارد بسیار زیاد است وفهرست بلندبالایی جلو من قرار دارد. یکی از موضوعات پیچیده آیه ۳۲۵ سوره نور است که می فرماید: «... نور السماوات والارض مثل نوره کمشکاه». وخدا را روشنایی آسمان وزمین معرفی می کند. این آیه هم مفسران را به شدت در گیر خود کرده است هم متکلمان را. «بندهش» یکی از متون دینی کلامی به زبان پهلوی است که یکی از منابع مهم در شناخت فلسفه و کلام زردشتی به شمار می رود. در آغاز این کتاب تبیینی می بینید از اینکه اهورامزدا را روشنایی ازلی معرفی می کند. در آنجا توضیح داده می شود چگونه از اهورامزدا روشنایی ساطع می شود وروشنی های عالم به وجود می آید. وقتی آیه «نور السماوات، رانگاه می کنیم. می بینیم تصورمان این است که نور فیزیکی است وخدامادی نیست. لذا باید آیه را به استعاره حمل کنیم ولی در تبیینی که در بندهش ارائه می شود، راجع به یک پدیده مادی صحت نمی کند بلکه درباره امر فرامادی صحبت می کند وروشنایی های دیگر مخلوق اهورامزدا هستند.

- اشتراک قرآن و اوستا در معرفی شیطان

برخی می گویند دین زردشتی شیطان را یک امر اصیل می داند. واقعا این طور نیست و در بخش های مختلف اوستا با این پدیده مواجهیم که شیطان را مخلوق خدا معرفی می کند. بحث مهلت دادن به اهریمن از سوی اهورامزدا مطرح می شود وانیکه پس از پایان مهلت، اهریمن وجود نخواهد داشت. پس اهریمن شریک اهورا نیست بلکه مخلوق اوست وتوانسته است فرصتی از خدا دریافت کند، مانند آنچه درقرآن می بینیم. این یک شباهت ظاهری نیست بلکه یک ارتباط آموزه ای بسیار قوی است که بین قرآن واوستا مشاهده می کنیم. در ادیان ایران می توانیم مسیری راشناسایی کنیم که ربطی به دین زردشتی ندارد. یک مسیر دینی است که در آن، زمان خدایی می کند. این مسیر دینی به ایران اختصاص ندارد و آن را در دیگر ملت ها هم مشاهده می کنیم. در ایران باستان، زروان خدای زمان است. البته نسبت زروان با اهورامزدا میان دین شناسان مورد چالش بوده است. ما نفوذ این جریان را در دین زردشتی هم می بینیم وپژوهشگران نشان داده اند کجارد پای زروانوسیم رامشاهده می کنیم. آنچه می خواهم توجه دوستان را به آن جلب کنم تر ترجمه زروان به زبان عربی به صورت دهر است. دهر به معنای روزگار وزمان است. حدیثی داریم متناسب به پیامبر (ص) که می فرماید: دهر را ناسازگوییبد... همان دهر است. وقتی این عبارت را می خوانید، احساس می کنید تتولوژی پسین زروانی این جمله را می گوید. اینکه... همان دهر است. ترجمه اش این است که اهورامزدا همان زروان است. آیه ای درقرآن هست که از قول مشرکان می فرماید: «ما یهلکنا الا الله» یعنی مشرکانی وجود دارند که باور دارند آنچه ما را هلاک می کند روزگار است. اینجا شما می توانید زروان رامشاهده کنید که چگونه در عربستان گروهی از مشرکان معتقد به هلاک کنندگی روزگار بودند.

گفت وگویی شهرآرا با دکتر محمدعلی مهدوی راد، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

دغدغه بزرگ فاطمه اطهر (س) نجات میراث نبوت بود



شد و بسیاری اولین بار، روایت معمول از سوی حضرت زهرا (س) با راجع به قرآن نقد شد. حضرت فرمود این کتاب خدا وحاکم است و آخرین حرف را می زند. سخنش سخن نهایی است و به بیان قرآن، پیامبران از پیامبران ارث می برند. بعد از صحبت های ابوبکر، حضرت زهرا (س) قدری درباره فدک صحبت می کند. باید به این نکته هم توجه شود که جلو چشم اهالی مدینه به حضرت ظلم شد. آن ها هیچ اقدامی نکردند وفریاد مظلومیت آن خاندان را نشنیدند ولی حضرت زهرا (س) همه درآمد هفت باغ خود را برای همین مردم وقف کرده بود و نسل اندرنسل فرزندان خود را متولی این امر قرار داد. حضرت فاطمه (س) نماد کرامت، انسانیت، شرافت و عظمت است و هر چه صفت نیک است، باهر صفتی بخواهم حضرت را توصیف کنیم، به لطافت وزبیایی سخن مرحوم دکتر شریعتی نیست که گفت: فاطمه فاطمه است. با هیچ لفظ وصفتی نمی توان حضرت زهرا (س) را که پیامبر (ص) درباره ایشان گفته است «فداک ابوک، توصیف کرد. با نگاهی تاریخی به خطبه، معلوم می شود دغدغه بزرگ فاطمه اطهر نجات میراث بعثت و میراث نبوت بود. به این علت، من دوست دارم عنوان این خطبه بشود «بازخوانی میراث نبوت». خطبه به لحاظ محتوا، با نقد و تحلیل وبررسی متن ها وآنجه مرتبط است وواژه شناسی، به صورت بسیار بسیار دقیق واستوار، تحلیل شده است. اواظهار کرد: گمان می کنم این اثر در ادبیات فارسی دومی ندارد. کتاب قطعا درجه یک است وبخش های عالی من جقدر شمارا دوست دارم. پدر شما که آن قدر مهربان بود، چرا این قدر تند صحبت می کنید؟خودم از پدر شما شنیدم که گفت: ما پیامبران ارث نمی بریم، اولین بار بعد از پیامبر اکرم (ص)، این دروغ از سوی خلیفه اول جعل

به آیات قرآن در نهایت لطافت، نکته بسیار ارزشمندی است. بعد حضرت در نهایت ایجاز و عمق مطرح می کند که «حالا چه شدید؟ میراث اسلام چیست؟ و نماز و زکات و... برای چیست؟» این چند سطر در فلسفه تشریع، حیرت آور است. حضرت فرمود: شمای که آن بودید و این شدید و این میراث در اختیار تان است، شمای که با یک شمشیر و لیف خرمایی که به کمربتان می بستید در مقابل شرک ایستادید، چرا امروز که میراث من به غارت می رود وظلم به این آشکاری اتفاق افتاده است سکوت کرده اید؟ حضرت زهرا (س)، در آن خطبه تصور عجیب وحیرت آوری از حضرت علی (ع) نشان می دهد. این خطبه عجایب زیادی دارد. وقتی حضرت فاطمه (س) می خواهد خطاب به انصار بگوید چرا این طور شده اند، یک جمله بیان می کند: لفلول الحد واللعب بعد الحد و خور القناه. به این معنی که «شما دیگر برنگدی ندارید. قاطعیت خود را از دست داده اید و کارآمدی ندارید زیرا بین شما تفرقه ایجاد شده است. این چگونه رفتاری است؟ وقتی خلیفه اول دید خطبه با این آهنگ شکسته درهم ریخته انفجار آفرین، در حال برهم ریختن همه چیز است، بلند شد و گفت «شما که می دانید من جقدر شمارا دوست دارم. پدر شما که آن قدر مهربان بود، چرا این قدر تند صحبت می کنید؟خودم از پدر شما شنیدم که گفت: ما پیامبران ارث نمی بریم، اولین بار بعد از پیامبر اکرم (ص)، این دروغ از سوی خلیفه اول جعل

محمد باقر صدر به این نکته توجه داده است. گزیده سخن او چنین است: بدون هیچ تردیدی، خلیفه فدک را به زهرا (س) داد اما با اظهار نظر خلیفه دوم اهل سنت ومناعت ابوبازگرداند ونامه ای را که نوشته بودند پاره کرد.

بر اساس منابع بسیاری، خلیفه در آستانه مرگ از تسلیم نکردن فدک اظهار ندامت بسیار می کرد. اگر اورا مستندی استوار بوده است چه ندامتی؟ اکنون باید گفت این خبر یکسر بی بنیاد است ونمی تواند در برابر صریح قرآن حالت تخصیص داشته باشد. مفاد صریح قرآن به قوت خود باقی وکلام ابوبکر بر ساخته است. نکته دیگری که در این مورد بسی حائز اهمیت است اینکه هیچ گاه در برخورد با مسئله فدک بین حاکمان وحدت رویه نبوده است. اگر حکم خداوند است که میراث پیامبر (ص) باید از آن مسلمان باشد این همه تصمیم های گوناگون چیست؟ گاهی به مالکان واقعی بازگردانده شد و گاهی به فرد خاصی اهدا شد و...

● تحلیل شما درباره محتوای خطبه حضرت زهرا (س) (پس از غصب فدک و هتک حرمت به اهل بیت پیامبر (ع) چیست؟ یکی از مهم ترین جلوه های زندگانی حضرت زهرا (س) یا اگر دقیق تر بگوییم، علی الاطلاق مهم ترین جلوه زندگانی حضرت زهرا (س) خطبه فاطمی است. من هیچ دوست ندارم عنوانش بشود «خطبه فدکیه» وکل این معارف حیرت آور وحیانی بسیار بسیار مهم معجزه کون فقط به فدک پیوند بخورد. از رسول (ص) نقد متن اتفاق افتاد. یعنی حضرت فاطمه (س) آن را راجع داد به قرآن وفرمود: در کتاب خدا آمده است باید از پدران ارث ببرید ومن ارث نمی برم؟ این کتاب خدا بین ماست که حکایت می کند و بعد داستان ارث بردن از انبیا را گزارش کرده اند. این بخش هم بسیار بسیار عالمانه وخیلی دقیق بحث شده است. دیدگاه بعضی از عالمان مکتب خلفا هم در آن گزارش شده است. اگر حقیقت چنین بوده است که انبیا از خود ارث به جای نمی گذارند، نباید خلیفه درباره مفاد آن تردید می کرد ومکرر موضع عوض می کرد. آیت... شهید سید

استاندار اندیشمند

الکرامه فی معرفه الامامه) از عربی به فارسی روان ترجمه وبا خط نستعلیق خوش تحریر شده است. یکی دیگر از آثار او، تسلیه العباد، ترجمه فارسی «مسکن الفؤاد عند فقد الاحبه و الاولاد، شهید ثانی است که از سوی محمدرضا انصاری تصحیح شده است. نخستین بار کتاب «مسکن الفؤاد، توسط میرزا اسماعیل مجدالادبا به فارسی ترجمه شده است که در منصب مستوفی دیوان اعلی ومعارف و کار گزار اول خراسان در دوران سلطنت مظفر الدین شاه قاجار، در دوره ولایت شاهزاده رکن الدوله علیقنی میرزا، فرمانفرمای مملکت خراسان وسیستان بود.

پرداخته شده است زیرا نادیده گرفتن این تمایز سبب رخ دادن رویدادها ومشاجراتی در سطح جامعه می شود. در ادامه این مطالعه نیز مدلی تحلیلی ارائه شده است مبنی بر اینکه تغییر وتحولانی که در پس مفهوم انسان رخ داده است ونیز تفکر نقادانه معطوف به این تغییرات بنیادین بررسی شود. هم چنین در این بررسی، دال مرکزی، آموزش تفکر نقادانه به کودکان در نهاد آموزش و پرورش است. بنابراین به بررسی تمایز سیاست گذاری های «بازخوانی انتقادی سیاست گذاری های آموزشی در ایران معاصر، نوشته دکتر سید جواد میری ومهرنوش خرمی نژاد از سوی نشر نقد فرهنگ در سال ۹۸ منتشر شده است.

بنابراین ضرورت دارد فهم ما از جایگاه آموزش و پرورش به صورت بنیادی وامنظر ارزش گذاری اجتماعی تغییر کند زیرا از بعد نظام اجتماعی، پاداش ومجازات نهاد آموزش عالی بالاتر از نهاد آموزش و پرورش در جامعه ایران است و این دو نهاد از منظر امتیازدهی، در مقایسه باوزارت نفت یادیگر وزارتخانه ها، درده پایین تر قرار می گیرند، هم چنین این دو نهاد از کم درآمدترین ها محسوب می شوند. در بخشی از کتاب «بازخوانی انتقادی سیاست گذاری های آموزشی در ایران معاصر، به واکاوی وضعیت اندیشه وتفکر در ایران ونسبت آن باتفکر نقادانه پرداخته شده است. بنابراین، پرسش های اصلی در این مطالعه به مفهوم تفکر چیست؟ به چه شیوه اندیشیدن تفکر می گویند؟ در ادامه این بخش، به بیان تفاوت بین نقد وانتقاد

یکی از مشکلاتی که در جامعه ایران وجود دارد آن است که هر ایرانی به صورت فردی ذهن خلاقی دارد وداری نبوغ، خلاقیت، فرهنگندی و... است ولی زمانی که در نسبت با دیگری قرار می گیرد، تحریری عمل می کند. این کنش رفتاری در ساحت اقتصادی، سیاسی، مذهبی، دانشگاهی وبه صورت گسترده تر در جامعه مشهود است. در واقع، یکی از مغالطات شایع مغالطه حمله به شخص است. در این نوع مغالطه، به جای نقد گفته ها واستدلال های فرد را نقد می کنیم وبرای مخالفت بانظر وی به یکی از خصوصیات فردی او حمله می کنیم یا از منظر دیگر، زمانی که گفته ها واستدلال های فرد را نقد می کنیم، این رفتار اجتماعی نوعی تخریب محسوب می شود.

سیاست گذاری های آموزشی در ایران معاصر



کتاب شناخت